

جمعه 7 شهریور 1399 - 8 محرم 1442 - 28 آگوست 2020

درگذشت فقیه و مرجع بزرگوار تقلید آیت الله "سیدمحمدتقی خوانساری" (1331 ش)



درگذشت فقیه و مرجع بزرگوار، تقلید آیت الله "سیدمحمدتقی خوانساری" (1331 ش)، آیت الله حاج سیدمحمدتقی خوانساری فرزند آقا اسدالله در سال 1267 ش (رمضان سال 1305 ق) در خوانسار و در خانواده ای که به علم و فضل و ادب اشتها داشت پا به عرصه وجود نهاد. وی پس از تحصیلات ابتدایی، در سن 17 سالگی جهت فراگیری علوم اسلامی رهسپار نجف اشرف گردید. آیت الله خوانساری در این حوزه، پس از طی مراحل سطوح، به محضر درس آخوند ملامحمدکاظم خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی راه یافت و در حلقه شاگردان آن بزرگواران به مدارج بالای علمی و اخلاقی دست یافت. ایشان در جنگ جهانی اول همگام با میرزا محمدتقی شیرازی و سیدابوالقاسم کاشانی در جنگ با استعمار بریتانیا شرکت نمود و همچون رزمنده ای کارآموده و شجاع با دشمن جنگید. آیت الله خوانساری پس از سقوط عراق، دستگیر و به هند و چین تبعید گردید و چهار سال در اسارت و تبعید به سر برد. پس از بازگشت به وطن، بنا به پیشنهاد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، به شهر قم آمده و ایشان را یاری نمود. این عالم ربانی در طول عمر پرافتخار خویش دست به اقداماتی زد که معروفترین آنها اقامه نماز سیاسی - عبادی جمعه بود که چندین سال برگزار می گردید. همچنین اقامه نماز استسقاء در سال 1363 قمری به امامت ایشان و با حضور انبوه مردم قم برگزار شد و با بارش باران رحمت، مردم از بلای خشکسالی نجات یافتند. آیت الله سیدمحمدتقی خوانساری، پس از ارتحال آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، به همراه حضرات آیات، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه کمره ای ریاست مذهبی و مرجعیت و مدیریت حوزه علمیه قم را به عهده گرفته و نقش خود را به خوبی ایفاء نمود. از آیت الله خوانساری در دوران خفقان بار پهلوی فتوای سرنوشت سازی صادر شده است که فتوای ضروری بودن حجاب پس از اعلام کشف حجاب توسط رضاخان، فتوای کمک به فلسطینیان و جنگ با صهیونیسم و نیز فتوای ملی شدن صنعت نفت از آن جمله اند. سرانجام این عارف وارسته و فقیه پرهیزگار در هفتم شهریور 1331 ش برابر با هفتم ذی الحجه 1371 ق در 64 سالگی در شهر همدان دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع با شکوه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) در کنار آیت الله حائری یزدی به خاک سپرده شد.

حجت آیت الله "سید شهاب الدین، مرعشی نجفی" عالم، حاکم و مرجع بزرگ تقلید شیعیان (1369 ش)، آیت الله سیدشهاب الدین بن سید محمود بن سیدالحکماء تبریزی مرعشی نجفی، فقیه اصولی و محدث رجالی در سال 1276 ش (1315 ق) در شهر نجف در خاندان پرسابقه و اهل علم "مرعشی" به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم را نزد پدرش فرا گرفت و پس از طی سطوح، در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: آقاضیاءالدین عراقی و شیخ احمد کاشف الغطاء و شماری از استادان و مدرسان برجسته حوزه نجف شرکت کرد. آیت الله مرعشی در نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، تهران و قم، نزد بیش از یکصد استاد زانوی ادب به زمین زد و در سایه پشتکار عالی و همت بلند به مدارج بالای علمی و اخلاقی دست یافت. حافظه قوی، هوش سرشار و علاقه شدید به اهل بیت (ع)، از ایشان عالمی ساخت که نه تنها در علوم دینی از جمله فقه و اصول به مرحله اجتهاد رسیده بود، بلکه در بسیاری از علوم مانند: کلام، ادیان، انساب، حدیث، رجال، درایه و علم حروف نیز مهارت بسیار داشت. آیت الله مرعشی نجفی مجتهدی بنام بود، به طوری که بیش از 200 تن از علمای اسلامی امامیه و تعداد کثیری از شخصیت های اهل سنت بر اجازه اجتهادش، مهر تأیید زده بودند. وی از فرق شیعه نیز اجازه نقل روایت داشت. ایشان در سن 27 سالگی پس از بازگشت به ایران، در قم رحل اقامت افکند و تا پایان عمر در همانجا به تدریس و تألیف مشغول گردید. حاصل عمر پربرکت ایشان در حدود یکصد و پنجاه اثر نفیس علمی در زمینه های مختلف علمی است. در طول بیش از هفتاد سال تدریس این عالم بزرگوار، شاگردان فاضلی پرورش یافتند که هر کدام از آنها، در شمار علما و مدرسین حوزه های علمیه شیعه می باشند که حضرات آیات: سید مصطفی خمینی، سید محمود طالقانی، مرتضی مطهری، سیدمحمد بهشتی، شهاب الدین اشراقی، محمد مفتاح، امام موسی صدر، میرزا جواد تبریزی، شیخ حسین نوری همدانی، سیدرضا صدر، سید مهدی روحانی و سید مرتضی عسکری از آن جمله اند. از دیگر خدمات معظم آیت الله بنای کتابخانه، مسجد، مدارس، حسینیه ها و مراکز درمانی می باشد. آیت الله مرعشی در طول نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، همواره حامی و پشتیبان نهضت و رهبری آن بود و بارها در حمایت از حضرت امام، اقدام نمود. پس از پیروزی انقلاب نیز، ایشان همواره از نظام اسلامی حمایت می کرد و در مناسبت های مختلف، با ارسال پیام ها، به تقویت نظام می پرداخت. سرانجام این اسوه فضیلت و علم، در هفتم شهریور 1369 ش برابر هفتم صفر 1411 ق، در 96 سالگی دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع باشکوه، بر حَسَب وصیت معظم آیت الله، در راهروی ورودی کتابخانه آیت الله، در کنار امام حسین (ع) با عم، بن، سعد پس از آن که به دستور کتبی عبیدالله بن زیاد، آب فرات بر روی امام حسین علیه السلام و یارانش بسته شد، وضعیت

بنام: گزای سلسله اشکانیان توسط "آرشک" در بائت (256 سال قبل از میلاد) با سقوط سلسله هخامنشی و تأسیس سلسله سلوکیان، یکی از سرکردگان قبایل پارتی در خراسان قدیم به نام آرشک، بر فرمانروای سلوکی شورید و پس از شکست دادن وی، در 28 اوت 256 ق.م، پادشاهی اشکانیان را تأسیس کرد. با این حال، جنگ بین دو طرف ادامه داشت تا اینکه آرشک در سال 247 ق.م کشته شد و پس از وی، برادرش تیرداد اول به تخت سلطنت نشست، سلسله اشکانیان را به سه دوره تقسیم کرده‌اند که می‌توان آن را با عناوین دوره شکل‌گیری و تثبیت، دوره اعتلا و رقابت با روم و دوره انحطاط و فروپاشی یاد کرده پادشاهان اشکانی در حدود 30 نفر بودند که نزدیک به 470 سال بر ایران باستان حکومت کردند. برخی تاریخ‌نویسان، سلسله اشکانیان را از بهترین دودمان‌های حکومت خود توانستند ضمن شکست سنگین رومی‌ها، در معاهده صلح، شرایط را به نفع ایران قرار دهند. همه پادشاهان اشکانی به عنوان احترام به اشک اول، مؤسس این سلسله، لقب اشک را به ترتیب در عنوان خود قرار می‌دادند. دوران حکومت اشکانیان نیز سرانجام در سال 224 م به سر رسید و با قیام اردشیر بابکان و سرنگونی فرمانروایی اشک‌ها، دوره پادشاهی سلسله ساسانیان بر ایران آغاز شد.

کشف راه دریایی هندوستان توسط "اسکده گاما" در ناه، دبرتغال، (1498 م) راه دریایی هندوستان که اروپا را به ممالک مشرق و جنوب آسیا متصل میکرد توسط "واسکو دوگاما" دریانورد پرتغالی کشف شد. این راه بعد از بسته شدن راه قسطنطنیه که از روز 29 مه 1453 به تصرف ترکان عثمانی درآمده بود برای ایجاد ارتباط میان اروپا و آسیا کمال لزوم را داشت. "واسکو دوگاما" از راه دور زدن آفریقا به اقیانوس هندوستان رسیده بود نگران کننده ای میان سپاه امام حسین علیه السلام و سپاه عمر بن سعد پدید آمد و احتمال بروز جنگ و خونریزی را، هر ساعت قوی تر می کرد.

امام حسین علیه السلام برای کاستن حساسیت های دو سپاه و ایجاد تفاهم میان طرفین، خواستار ملاقات خصوصی با عمر بن سعد، فرمانده سپاهیان عبیدالله بن زیاد گردید. عمر بن سعد از پیشنهاد امام حسین علیه السلام استقبال کرد و در شب هشتم محرم، در خیمه ای میان دو لشکرگاه، تشکیل جلسه داده و تا پاسی از شب با هم گفتگو کردند. سپاهیان از متن گفتگو آن دو بی خبر بودند، ولی همین مقدار می دانستند که آنان به توافق های تازه ای رسیده اند. [۱]

ابومخنف روایت کرده است که ملاقات آن دو تنها یک بار نبود، بلکه آنان سه یا چهار بار با یکدیگر ملاقات و گفتگو کردند. [۲]

عمر بن سعد، که حوادث کربلا را پی در پی برای عبیدالله بن زیاد گزارش می کرد، پس از ملاقات با امام حسین علیه السلام نامه ای رضایت بخش برای عبیدالله ارسال کرد و در آن، یادآوری کرد: خداوند متعال، نائره جنگ ما را خاموش و امر امت را اصلاح نمود. زیرا حسین بن علی علیه السلام هم اینک حاضر است از همان جایی که آمده است، برگردد و یا به سوی یکی از مرزهای کشور برود و بسان سایر مسلمانان زندگی کند. نه از او بر ضد ما و نه از ما بر ضد او چیزی در میان نباشد، و یا به جانب شام نزد یزید بن معاویه رفته و اختلافش را با وی حل و فصل کند. ای عبیدالله! این پیش آمد، هم می تواند موجب خرسندی تو و هم موجب اصلاح امت باشد. [۳]

شایان ذکر است چیزهایی که عمر بن سعد در این نامه به آن ها اشاره کرد، برداشت های شخصی وی و یا مبالغه گویی اش برای آرام کردن عبیدالله و اصلاح ذات البین بود، تا از این طریق زودتر غائله را پایان دهد و به حکومت "ری" دست یابد. زیرا امام حسین علیه السلام که با هدف امر به معروف و نهی از منکر اقدام به قیام بر علیه باطل کرده بود، هیچ گاه به شخصی چون عمر بن سعد، چنین تعهدی نمی داد.

پی نوشت ها:

1. بحارالانوار (علامه مجلسی)، ج 44، ص 388.
2. معالم المدرستین (سید مرتضی عسکری)، ج 3، ص 103.
3. الارشاد (شیخ مفید)، ص 437.

منبع: نرم افزار دایرة المعارف چهارده معصوم علیهم السلام